

## نگاه

دکتر جعفر رشادتی

رییس مرکز ارتباطات  
مردمی قوه قضائیه

## پشت صحنه زندگی

در لایه‌های صحبت‌های هموطنان گاهی جمله‌هایی به کار برده می‌شود که شنیدنشان هم تحمل بالایی می‌خواهد. یعنی حتی شنونده معمولی که هیچ نسبتی با صاحب سخن ندارد طاقت شنیدن این نوع حرف‌ها و نتایج زیانبار آن را ندارد. چه رسد به افرادی که موضوع این سخنان هستند. البته هدف ایجاد ناراحتی برای خواننده نیست بلکه می‌خواهم تلنگری بزمن شاد من، شما، دیگران طرف خطاب باشیم و با خواندن و چاره اندیشی از آلام و دردهایمان در شروع سال جدید بگشاییم:

۱- دوازده سال است دخترم به خانه من نیامده است. دلم برای شنیدن صدایش خلی سنگ شده است. ۲- مامان ویباها هر روزهر شب دعوا میکنن، منم تو اتاق خودم همش گریه می کنم. ۳- دختر بیست ساله‌ام شب‌ها زودتر از ساعت دوازده به خانه نمیاد. میگه من دیگه بزرگ شدم. ۴- بابا می‌خواد مامانمو طلاق بده، هرچی من وامامان التماس می‌کنیم قبول نمی‌کنه، حتی مامان میگه باشه اجازه از دواج هم بدهت می‌دم ولی بابا راضی نمیشه. ۵- هشت ساله با شوهرم هیچ ارتباطی نداریم، اون برای خودش زندگی می‌کنه، منم برای خودم، هر دو هم اینو می‌دونیم!!! ۶- چهل روزه بچه شیر خواره را ول کرده رفته می‌گم من شوهر بدی هستم. پس عاطفه مادری کجا رفته است؟ ۷- دو جلسه است با حکم دادگاه وهمراه مأمور می‌آییم برای تخلیه خانه ولی خالی نمی‌کنه، چرا مأمور به زور متوسل نمی‌شود ضمناً متصرف مادرمه!!! ۸- دختر خانم سه ساله با من نامزد وعقد کرده هستیم. بعد این مدت می‌گه که تازه فهمیده منو دوست نداره و باید نوافقی جدا شویم. ۹- برادرم بیمارستان بستری شد نیاز به جراحی داشت پنجاه میلیون خرجش کردم، الان می‌گه خرج نمی‌گردد و می‌داشتی می‌مردم. ۱۰- چرا کسی به فکر تأمین همه نیازهای زنان مطلقه نیست مگر همه چیز در مادیات خلاصه می‌شود؟ ۱۱- بیست و پنج سال از ازدواجمان می‌گذرد. از آن تاریخ تاکنون هیچ عیدی سر سفره هفت سین پدر ومادرم ننشسته‌ام وبه لطف همسرم همیشه کنار خانواده ایشان بوده‌ایم. ۱۲- پسریم که دوستان نابابی دارم می‌گویند من این روش را دوست دارم، می‌خوانسید منو به دنیا نیاورید. ۱۳- یک هفته قبل متوجه شدیم مادرمان فوت شده وحتى چهلمش هم گذشته است او با دوتا از برادران ویک خواهر مجردمان در خانه پدری زندگی می‌کردند.

۱۴- برادر تحصیلکرده خانواده به دلیل اختلاف در ارث، سنگ قبر پدرمان را تخریب می‌کند. ۱۵- چهار پسر ویک دختر دارم ولی تنها زندگی می‌کنم. قادر به حرکت نیستیم. می‌گویم مرا ببرید خانه سالمندان می‌گویند این کار در شأن خانواده ما نیست. ۱۶- تنها فرزند خانواده هستم، پدر ومادرم هم تنها فرزند خانواده‌شان بوده‌اند. معنای برادر خواهر، عمو دایی، عمه و خاله را نمی‌توانم درک کنم، وقتی به مامان ویبا می‌گم اگه شما نباشید من تنها چه باید بکنم. مامان گریه می‌کنه می‌گه اشتباه کردیم ولی بابا بی‌تفاوت می‌مونه. ۱۷- از زمانی که خوب وید زندگی را به یاد دارم به خاطر منم آد مامان منو بغل کرده وپوسیده باشد. ۱۸و۱۹...

آی آدم‌ها که بر ساحل نشستہ شاد و خندانید، یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان، در چه هنگامی بگویم من؟ یک نفر در آب دارد می‌کند بپهوده جان قربان.

و آن یک نفر، خانواده است. همین!!!

## دعا برای آتش نشان های شهید سر سفره «هفت سین»

گروه حوادث- سمانه شهباز/ آفتاب تازه طلوع کرده بود مثل همیشه آماده شد تا راهی محل کارش شود، اما این رفتن انگار با همیشه حسابی فرق داشت، گویی به خودش هم الهام شده بود شاید این رفتن برگشتی نداشته باشد. قبل از اینکه از خانه برود به اتاق خواب دخترش رفت در را باز کرد و نگاهی به «هلما» کوچولویش انداخت. قرار بود سال بعد دختر کوچولویش به پیش دبستانی برود. از دور نگاهی به صورت معصوم‌اش انداخت که در خواب عمیقی فرورفته بود. برای تنها فرزندش هزاران آرزو داشت، اما...

بی‌صدا بوسه‌ای بر گونه‌های سرخش زد. بعد هم مثل همیشه عروسک مورد علاقه‌اش را زیر پتو کنار «هلما» گذاشت تا نترسد. پدر جوان پس از آخرین نگاه، از اتاق خارج شد، انگار خودش هم می‌دانست این آخرین دیدار است، گرچه معتقد بود هر اتفاقی که قرار باشد رخ می‌دهد، چه آتش نشان باشی و چه شغل دیگری داشته باشی. این جملات را زمانی که به خواستگاری همسرش رفته بود بارها تکرار کرده بود، چراکه او و خانواده‌اش با شغل حسین مشکل داشته‌اند. با این حال پس از کلی صحبت بالاخره توانست رضایت دختر مورد علاقه‌اش وخانواده او را جلب کند و راهی خانه بخت شوند. این خانواده ۱۳ سال خوشبخت و عاشقانه کنار هم زندگی کردند، اما افسوس که فاجعه تلخ و ناپهنگام پلاسکو، زندگی آنها را یکباره ویران کرد.

شهید حسین سلطانی، فرمانده گروه نجات ایستگاه ۲۴ واقع در خیابان نبرد بود که صبح پنجشنبه ۳۰ دی راهی محل کارش شد اما دیگر به خانه بازنگشت. این آتش نشان فداکار ساعتی بعد به همراه همکارانش برای نجات جان مردم خود را به ساختمان پلاسکو رساند و مردانه به نبرد شعله‌های سرکش آتش رفت، اما اونیز به خیل شهدای آتش نشان پیوست. آقای مصری- پدر همسر شهید حسین سلطانی- در گفت و گو با خبرنگار حوادث روزنامه ایران دیده‌ام دادش گفت: «۱۳سال پیش وقتی حسین برای خواستگاری به خانه ما آمد دخترم بسدت



مخالفت کرد و گفت که زن آتش نشان نمی‌شود. اومعتقد بود شغل آتش‌نشان‌ها بسیار خطرناک است، به همین خاطر رفتن با خودش است و برگشت‌شان با خدا. دخترم می‌گفت نمی‌خواهد همیشه ترس از دست دادن همسرش را داشته باشد، اما حسین استدلال‌های دخترم را قبول نداشت و می‌گفت هیچ‌کس از فردای خودش خبر ندارد. اگر قرار باشد اتفاقی بیفتد هیچ‌کس به غیر از خدا نمی‌تواند مانعش شود، چه آتش‌نشان باشی و چه شغل دیگری داشته باشی. حسین بقدری خوش برخورد و مهربان بود که سرانجام دل دخترم را به دست آورد و آنها به عقد هم درآمدند. باعث افتخارم بود که حسین دامادم شده است او آتش نشان بود و حافظ جان و مال مردم. می‌دانستم از دامادم هم مراقبت خواهد کرد و خوشش از خانواده‌اش است. در تمام این سال‌ها دل‌م گرم بود که دخترم خوشبخت زندگی می‌کند و از خوشحالی آنها ماهم شاد بودیم، اما حالا

### دلوئشته مادر آتش نشان شهید حادثه «پلاسکو»

**گروه حوادث/** مادر شهید رضانظری، یکی از آتش‌نشان‌های جان‌باخته در حادثه پلاسکو، دلوئشته‌ای به یاد فرزند جوانش برای گروه حوادث روزنامه ایران ارسال کرد. او نوشته است: «چرخ گردون می‌چرخد، روزها را پس هم می‌گذرد. بهار، تابستان، پاییز، زمستان، اما برای ما روزگار فقط ایستاده است. در سی امین روز از فصل سردش می‌گویند بهاری دیگر در راه است ولی افسوس که زندگانی من در خزانی سخت مانده است و انگار قرار به رفتن ندارد. مات ومیهوت فقط نگاه می‌کنم. همه چیز در حرکت است ولی من همچنان میخکوب بر زمین، در روز ۳۰ دی جامانده ام. نفس زندگی ام رفت و در کمابیه سرمی‌برم. زنده هستم ولی زندگی نمی‌کنم. چشممان باز است ولی نمی‌بینم. از درون آب می‌شوم، در نبودت ای پاره تنم. «رضا» عزیزم دلم می‌گیرد از این همه غفلتی که تو را از ما گرفت. دلم می‌شکند از نادانی برخی انسان‌ها که اگر نکات ایمنی را رعایت می‌کردند نوروز اسما را برپایان جور دیگری رقم می‌خورد. نمی‌دانم آیا نوروز بر شما مبارک می‌شود وقتی دل این همه مادر در فراق عزیزانشان دردمند است.

واژه تبریک بر زبانم نمی‌چرخد می‌دانم که ملتی با من غمگین هستند وعده‌ای نیز خود را در این حادثه مقصر می‌دانند. کما اینکه خود می‌دانند با رعایت ایمنی ساختمان می‌شد جلوی این اتفاق تلخ را گرفت و این نوروز بر ما هم مبارک می‌شد. رضای عزیزم از بدو تولد تا عشق ومحبت تو را در بالینم پروراندیم و هر سال نوروز را به شوق یکسال بزرگ شدن و دیدن پیشرفت میوه زندگی‌ام سپری کردم. حال کجانبند ببینند که نتیجه ۳۰ساله زندگی‌ام به خاطر غفلت عده‌ای در زیر خروارها خاک خفته است. تقاضا دارم از همه عزیزانی که صدای مرا می‌شنوند، من نیز چون شما آرزوهای دور و درازی برای درانه پسرم داشتم. من نیز چون شما می‌خواستیم عیدم را در کنار فرزندم مبارک کنم ولی... اگر مرا می‌بینید اگر شما هم چون من قیلبان تقاضا دارم فقط با رعایت نکات ایمنی از تکرار این قبیل حوادث جلوگیری کنیم و غفلت خودمان را به پای تقدیر و سرنوشت نگذاریم و اجازه ندیم دل مادر دیگری چون من در فراق فرزندش دردمند شود.

عید برای ما نامبارک شد اما برای شما هموطنان و مردم عزیزم آرزوی عیدیی مبارک دارم و طلب خیر می‌کنم برای تک تک شما عزیزان. ان‌شاءالله که در سال جدید شاهد هیچ حادثه‌ای نباشیم.»

### برش

## حوادث

## جهان

زهره صفاری



دلیپ نیوز

### الماس بزرگ، هدیه به مرد کشاورز به رئیس جمهوری

مرد کشاورز اهل سیرالئون، پس از یافتن اتفاقی بزرگترین الماس کشف شده طی چهار دهه اخیر این کشور، آن را به رئیس جمهوری کشورش سپرد تا این ثروت ملی برای همیشه حفظ شود. به گزارش خبرگزاری‌ها، این الماس که سیزدهمین الماس بزرگ جهان است ۷۰۶ قیراط وزن داشته و از منطقه «کانو» در سیرالئون استخراج شده است.

«مانوئل مومو» که این الماس ارزشمند را پیدا کرده، در مراسم اهدای این سنگ قیمتی و ارزشمند به رئیس جمهوری گفت: «من می‌خواهم این ثروت ارزشمند در کشورم بماند و به همین خاطر آن را به شما اهدا می‌کنم.»

پیش از این در سال ۱۹۲۲ الماسی ۹۶۹ قیراطی در سیرالئون پیدا شده بود که بزرگترین سنگ قیمتی این کشور به شمار می‌رود.

### رکوردشکنی زندانی‌های روسیه

شورای اروپا در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد: روسیه با حدود ۶۴۳ هزار زندانی از نظر تعداد زندانیان نسبت به جمعیت حدود ۱۴۷ میلیون نفری این کشور، چهار برابر بیشتر از میانگین دیگر کشورهای عضو شورای اروپا زندانی دارد.

درحال حاضر از هر یکصد هزار شهروند روس، ۴۳۹ نفر در زندان هستند. براین اساس روسیه با ۶۴۲ هزار و ۲۷۰ زندانی دررتبه نخست فهرست زندانی‌ها قرار دارد. با وجود این صدرنشینی، شمار زندانیان در روسیه نسبت به سال ۲۰۱۴، چهار درصد و سال ۲۰۰۵ بیست درصد کاهش یافته است. در گزارش شورای اروپا، انتقال زندانیان به مناطق پریش از هزار کیلومتر دورتر از محل سکونت در روسیه مغایر اصول حقوقی خوانده شده است. همچنین سطح فشردگی جمعیت زندان‌های روسیه زیاد اعلام شده و سهم هر زندانی فقط چهار مترمربع

### حمله زدن چاقو کش به مرد انگلیسی

سه سارق خشن در جریان سرقت پول‌های پسر نوجوانی، پدر او را با چاقو مجروح کرده و متواری شدند.

به گزارش پلیس غرب «یورکشایر» در انگلیس، مرد ۴۱ ساله که در این حادثه آسیب دید، با مشاهده سرعت وسایل پسرش، به طرف درازان حمله و شد اما آنها او را با چاقو پشندت مجروح کرده و گریختند. مرد مجروح بلافاصله از طریق امداد هوایی به بیمارستان منتقل شد که با تلاش پزشکان از مرگ نجات یافت. مأموران نیز همزمان با شروع تحقیقات، از مردم خواستند در صورت داشتن هر گونه اطلاعاتی در این باره، با پلیس تماس بگیرند.



اسکین نیوز

### قتل فجیع زن اروپایی در «گوآ»

زن گردشگر ایرلندی که به شهر «گوآ» در هند سفر کرده بود، به شکلی هولناک تحت شکنجه و تجاوز قرار گرفت و بعد هم کشته شد. به گزارش پلیس هند، جسد «دانیله مک لاکلین» ۲۸ ساله اواسط هفته گذشته توسط یک کشاورز بومی در حالی پیدا شد که آثار شکنجه روی پیکرش مشهود بود. جمجمه زن جوان نیز بر اثر اصابت ضربه‌ای سنگین متلاشی شده بود. همزمان با آغاز تحقیقات درباره مرگ این زن خارجی، جسد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی انتقال یافت. کارشناس‌ها نیز اعلام کردند این زن ایرلندی پس از شکنجه و آزار و اذیت خفه شده و سپس سرش با سنگ و شیء سنگینی متلاشی شده است. پلیس با دریافت این گزارش تحقیقات گسترده‌ای در این باره آغاز کرد تا اینکه پس از بررسی تصاویر دوربین‌های مدار بسته، رد پای مجرم سابقه‌داری به نام «ویکات باگات» ۲۳ ساله را در این جنایت هولناک شناسایی کرد. این درحالی بود که کوله پشتی مقتول نیز از محل زندگی عامل جنایت کشف شد.

«ویکات» پس از دستگیری به جنایت اعتراف کرد و سپس برای تحقیقات تکمیلی در اختیار کارآگاهان ویژه قرار گرفت. این مجرم سابقه دار به اتهام قتل، تجاوز، سرقت و تخریب صحنه جرم و منحرف کردن پلیس در انتظار محاکمه قرار دارد.



yaho

### فرار از مرگ

زن جوانی که برای فرار از مرگ در سیلاب در برابر دیدگان وحشت زده همشه‌ریانش شاخه‌های درختی را گرفته و برای نجات تلاش می‌کرد پس از تلاش فراوان، به شکلی معجزه آسا نجات یافت. این زن که در زمان بارش‌های سنگین و سیلاب شدید در نزدیکی «لیما» - پایتخت پرو- دور از فرزندانش طعمه سیلاب شده بود، پس از نجات به نزدیکترین مرکز درمانی فرستاده شد. این زن که به طرز معجزه آسا و بدون هیچ آسیبی نجات یافته در تمام طول درمان سراغ فرزندانش را می‌گرفت که در مدرسه نبوده‌اند. بارش‌های سیل آسای باران در این کشور، باعث تخلیه ساکنان بسیاری از مناطق شده است.



میدر